

خوشبخت چیست و خوشبختی چیست؟

در امتحان نهایی دبیرستان (سال سوم) يك پرسش يابگفته ارباب فرهنگ سوژه داده بودند که روی آن بحث نمایند و آن پرسش يا سوژه يك سؤال کلی معانی پر مایه ای دارد و حقیقت دل پراز گفتگوی ولب خاموش را نشان میدهد، سؤال گنگ این است:

زندگی و خوشبختی

آیا زندگانی با خوشبختی مانند روح و جسم جان در قالب هستند؟ آیا زندگی برای خوشبختی است و اگر کسی خوشبخت نبود نباید زنده بماند! زندگی با خوشبختی باید شروع شود یا زندگی خود خوشبختی است و توفیق الهی؟ یا اینکه هر يك بجای خود محل و مقامی دارند و به نحو تجرد خطرناك و هنگامیکه مانند گلر - و سدیم مخلوط شدند نمک طعام رامی سازند و بدن و روان را زنده مینمایند.

این سؤال گنگ را در هر حال به دانشجویان داده بودند؛ فرزندم مطالبی را در بیست دقیقه وقت و فرصتی که داشت نگاشته بود اما اینک نمیتواند بیان کند چه نوشته است زیرا کپی و سواد آن را درست ندارد.

در این هنگام برای فرار از پرسش های مکرر من پرسید آقا جان اگر شما بجای من بودید چه مینوشتید؟ گفتم اگر بجای تو در سن و سال تو و در زمان و مکان و اوضاع و احوال زندگی تو بدیهی است آنچه تو نوشته ای مینوشتم ولی حالا که آیه و اشتعل الرأس شیباء پایان دور جوانی و حلول و آغاز سالهای پیری و فرتوتی را در گوشم میخواند و سرد و گرم روزگار را بسیار چشیده ام و گذشت ایام در سهائی بمن آموخته البته نظر و

عقیده ما در این مورد که خوشبختی چیست یکسان نمیباشد و سادهترین و کاملترین توصیف خوشبختی را از یک مقاله برای تو نقل میکنم
 مرحوم یوسف اعتصام الملک نویسنده مجله نفیس ادبی بهار که رحمت بر آن تربت
 با یک باد در تلوانین مجله جاودانی آثار زنده ای دارد در صفحه صدم مینویسد:

خوشبختی چیست؟ البته اصل مقاله بقلم از توریریزیان نویسنده معروف امریکائی
 است ولی مرحوم اعتصام الملک در قالب ترجمه با ذکر نام نویسنده اصلی بقدری بالفاظ
 زیبا معانی را آرایش داده است که مانند آن است که خود قلم بردست گرفته و به تحریر
 مقاله صرف وقت کرده است البته وقتی کار ترجمه با دانیان باشد نوشته های گرانبهای
 دیران خارجی مفهوم و نغز و شیوا از آب در میآید و بیگانه عادت مهم و قابل توجه کتابهای
 ترجمه شده امروز که نه از لحاظ لفظ و نه از نظر معنی ارزش دارند این است که هر کس
 بدون داشتن معلومات و تسلط در زبان بخود حق میدهد که نام مترجم روی خود بگذارد
 و وقت خوانندگان را تلف و ضرر مالی هم بآنهازند و بعد هم چون کتابی را باری بترجمه
 مدعی است ترجمه کرده مانع شود دیگری که صلاحیت این امر را دارد آنرا از نو ترجمه
 و در دسترس طالبان علم و هنر بگذارد

از توریریزیان میگوید مستردند در کاغذ مخصوصی نوشته از ما میرسد خوشبختی
 چیست؟ چگونه میتوان آنرا بدست آورد بهترین وسائل برای نگاهداری آن کدام است؟
 این مطلب را انسان از بدو خلقت بر سیده و در تحقیق چگونگی آن در چهار
 برده و فکرها کرده لکن تا کنون به تحصیل جواب صحیح موفق نشده است.

قبل از آنکه هیكل بشر بلباس هستی ملبس شود و نوع انسان در بسط زمین بوجود
 آید حیوانات به طریقه فطریه خودشان همین گفتگورا داشته اند بلکه اوقاتیکه شیطان
 در آسمانها به شرایط بندگی قیام می نموده همین فکر اورا الذیت میکرده شك نیست که آدم
 نیز این مطلب را از حوا بر سیده است.

سوالی است بسیار قدیم آدم از هر جنس و از هر قبیل باشد در این موضوع تأمل میکند
 این مسئله چندین میلیون سال بعد از این هم مطرح مذاکرات مردم خواهد بود

این سؤال را فنا و زوالی نیست این امری است لاینحل و مجهولی است که کشف حقیقت آن از ممتنعات است بجهت اینکه متضمن تمام آنچه‌ی است که ادوار عمر انسان بآن مربوط است انسان هر چه دارد از تفضلات این سؤال است انسان باید درین منت و شاکر نعمت این سؤال باشد.

مجاهدات متمدنی تحمل سختی‌ها و مشقت‌های نامحسور همه اینها برای چیست؟ برای بدست آوردن خوشبختی چون خود آنرا نتوانسته‌ایم مالک شویم بفوائد تمدن و نتایج ترقی این عصر نایل شده‌ایم.

انسان وقتی که متولد میشود چیزی نیست جز جهالت مطلقه دیری نمیگذرد که میخواهد خوشبخت بشود دامن همت بکمر زده دست طلب از آستین برمیآورد درس میخواهد زحمت میکشد با فرغ دانش ظلمت جهل را روشن مینماید تا بمنافع تمدن حالیه نائل میشود.

ما برای پیدا کردن نیکبختی مواظب شغل و عمل شده‌ایم اما حکمت قادره خداوندی که مدبر امور ما است ما را از حصول این آرزو منع میکند چرا؟ بجهت اینکه به کار کردن معتاد شویم تنبل و مهمل بار نیائیم وقاعده کلیه را که منتج نظام عالم است مختل نکنیم چون نمیتوانیم بایک اعتقاد قطعی صریح این سؤال را جواب بگوئیم لهذا از اظهار عقاید و آراء مختلفه مضایقه نمی‌نمائیم.

خوشبختی چیست؟

گر به وقتی خوشبخت است که دیده‌اش بدیدار موش روشن شود
شخص همسک و لثیم وقتی که پولهای خود را بشمارد و پنهان کند خودش را
خوشبخت بشمارد.

بخیل‌زاده مبدک که از چنگ حرص و آرزو درهائی یافته وقتی از بخت خود راضی است که بتواند اموال بدر را بطور اسراف تلف کند.

زن خوشبختی را در این میدانند که مرد را شیفته جمال خود سازد.

مرد روزی که محسود اقران و امثال باشد خود را قرین سعادت و اقبال مینداند.

وحشی‌های آفرینک زمانیکه بر اکل میته قادر شوند و باجسته فاسده حیوانی تصادف نمایند باعلی درجه نیکبختی رسیده‌اند جوان خود پسند مغرور که پسر عمومی همین وحشی است و با آمریکا آمده است عقیده اش این است که خوشبختی در داشتن دستمال گردن قرمز و پوشیدن کفش تنگ و زدن سنجاق یقه‌ای است که الماس درشتی در آن نصب شده باشد

(داروین) سی سال به‌تجربه حالات هوام و امتحان طبایع حشرات مشغول بود و خود را خوشبخت میدانست .

(روکفلر) به‌تجزیه دولارها و جمع آوری پولهای خود اشتغال دارد و این کار را وسیله سعادت‌تمندی میدانند

اطفال با داد و فریاد و هر کات کود کانه پیر مردان با سکونت و آرامش خودشان را خوشبخت تصور می‌نمایند یکی با کتشاف قطب شمال رفته و خود را با انواع مهالک مبتلا ساخته هر لحظه هزار بار مرگ را معاینه می‌بیند و با این خوشبختی با گرفتاری خوردند است یکی بمهمانخانه معتبری رفته و در جلو میز غذائی نشسته و ذائقه را از تناول اطعمه گوناگون محفوظ داشته و میگوید معنی سعادت این است و سعادت‌مند چنین .

وحوش و سباع وقتی خود را خوشبخت فرض میکنند که دشمنی آنها را تعاقب کند اگر چه این تعاقب به صید کردن و کشتن آنها منتهی شود .

ادیبی مینویسد: خوشبختی خیالیست که اسم آن آرامیش‌بوم و از دیدارش محرومیم مردم در همه جا اذرا جستجو میکنند و نمی‌یابند .

انتونیوس - سعادت را در عشق، بر و توس، در فخر، زول ترا، در جاه طلبی تصور نموده، اولی رسوا، دومی مکرزه، سومی مطرود، و هر سه مقتول شدند .

تیسون شاعر میگوید: «زندگانی من به نیک بختی به پایان رسید اما میل ندارم این عمر را از سر بگیرم» .

مارکوس اوربلیوس امپراطور روم گفته است: «سعادت در مباحث عقلیه در تمول و شهرت، در استیفای مشتهیات و لذایذ نفسانی نیست پس در کجا است؟ در مباشرت

اعمالی است که عقل مقتضی آن باشد :

اکنون دانستیم که نیک بختی باختلاف اذواق، مشارب، تصورات، ملایمات زمان و مکان اختلافی دارد و آن را بایک حد معین و صفت خاص نمیتوان توصیف نمود در این صورت باید بگوئیم مرد عاقل خوش بختی را در انجام کاری میداند که فایده آن بعالم انسانیت عاید گردد .

«کاماناسو» سیاستمدار معروف میگفت «بوسیله کار میتوان خوشبخت شدن از هیچ چیز بقدر کار لذت نمیبرم» کارانز معجز آسانی دارد که همه کس از آن باخبر نیست و گرنه در تمام دنیا یک نفر تنبیل یافت نمیشد .

داشتن يك شخصیت مستقل خیلی برای حیات ما اهمیت دارد خیلی ما دارای شخصیت مستقل نیستند بلکه مثل طوطی تقلید میکنند .

عقاید مردم در باره خوشبختی

کسیکه ظاهر آباسمی کمتر، موفقیت بیشتری پیدا میکند یا توانایی وصول آنرا دارد میگویند خوشبخت است آنکه شاهد مقصود را با تلاش فراوان بدست نمیآورد گویند بدبخت است .

افراد ظاهر بین تا ایندرجه هم در معنی بخت تأمل دارند زیرا عقیده آنها این است که دولت آن است که بی خون دل آید بکنار و از زیاد دیدن کفش پاره میشود .

اما حقیقت این است که باید کار کرد و فاصله خوشبختی و بدبختی را حافظ خط فاصله گذارده است که

قومی به جد و جهد نهدند (گرفتند) وصل دوست قوم دگر حواله بتقدیر میکنند عده ای برای این عقیده اند که رزق را روزی رسان بر میدهد - یا بخت و دولت قرین یکدیگرند اما بدین ها گمان میبرند یعنی اعتقاد آنها این است که :

بدبخت اگر مسجد آئینه بسازد

یکی از شعرای این گروه گفته .

کار او از بد بدتر گردد

هر کسی را که بخت برگردد

گر جهنم رود بی آتش
آتش از یخ فسرده تر گردد
آن یکی میگوید :

کلیم بخت کسی را که بافتند سیاه
آیا سخنان بد بینان تا همین جا تمام میشود؟ البته خیر. باز هم گفته اند.

فرشته ای است بر این بام لاژ و در اندود
که پیش آرزوی بیدلان کشد دیوار

اگر از من پرسش کنند خوشبختی چیست صریحاً میگویم دور ماندن از جمع بد بینان
جهان را با هر چشمی نگاه کنی بد بومان چشم بشمانگاه میکند.

حکمای خطا و ایفور که با چندی بازار رفتن، مسافرت، حمام، طفل بمکتب گذاردن
خرید بازار با اجازه تقاویم آنها بود بقول خودشان از روی طالع و حکم سیارات سبعمه
(سگزیلدوز) و سعد و نحس کواکب استخراج میکردند آنها بخت و اقبال را نیمه تقارن
و ولادت در برج سعد میدانستند.

و آنها میگفتند بخت و اقبال مانند جمال يك موهبت آسمانی است (امروز این
عقیده مورد توجه واقع شده زیرا هر دوشیزه ای که از زیبایی طبیعی بهره ای دارد و ماه و
و کارخ است بدون اینکه مراتب و مدارج علم و صنعت را طی میکند او را بالفطره و بالقوه
هنرمند و دوستان او را هنر پرور مینامند ! ! !

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بشارت

بشارت باهل ذوق رحال و دوستان محمد و آل عليه السلام بمناسبت فرارسیدن ایام سوگواری
سرسلسله شهباده راه حق، ترکیب بندهائی در مصیبت آن بزرگوار از شعرای عالی مقام فارسی
زبان مانند محتشم، وصال، وقار، صباحی، ملک الشعراء، ادیب الممالک فراهانی، شرر،
انصاری و بعضی دیگر بنام «گنجینه المصائب» بزودی با کاغذی اعلی و جلد شمیم
تخمین در ۱۳۰ صفحه بقیمت ۲۰ ریال از طرف کتابفروشی حکمت منتشر میگردد